

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مُحَوَّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالَ حَوَّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

عید سعید نوروز را به همه هموطنان عزیز بالاخص فقرا، برادران ایمانی تبریک می گویم. عیدی است که برای ما از حضرت زرتشت (ع) یادگار مانده و در طی تاریخ بر مکتب اسلام هم عرضه شده و تأیید گردیده است چه به توسط پیغمبر (ص) و چه به عنوان حضرت صادق (ع). به حضرت زرتشت (ع) عرض می‌کنیم: ای بزرگوار! دیده بگشا و هموطنان خودت را ببین. ما یادگار تو را حفظ می‌کنیم ولی آنهایی که این یادگارها را تخریب می‌کنند، مزاحم هستند، این شاءالله خداوند همه ما را در راه راست محکم بدارد و تَبَّتْ أقدامنا وَ انصُرنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرین.

حضرت صادق (ع) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَعْدَانَنَا مِنَ الْحُمَقَاءِ بنا براین گمان می‌کنند عظمت درویشی و عظمت ولایت الهی در ساختمانهای بلند، کاشیکاریهای عظیم و لباسهای پر زرق و برق است، به خیال خود برای دشمنی و نابودی فقر و عرفان این مظاهر را از بین می‌برند و به خیال خود موفق شده‌اند و حال آنکه از بین بردن این مظاهر نه تنها به اصل مکتب لطمه نمی‌زند بلکه تاکنون تجربه کرده‌ایم که این تخریبها موجب انتشار و عظمت مکتب تصوف و عرفان شده است. وقایعی که در این چهار سال اخیر رخ داد هر کدام به نوبه خود تلفاتی از فقرا داد ولی عظمتی هم در مقابل به عالم فقر داد، یعنی در واقع عالم فقر، قربانی‌هایی داد و عظمت از طرف خداوند اعطاء شد. وقایع تخریبهایی که تا کنون دیدیم، موجب تعجب و تأسف است زیرا مسلمین صدر اول اسلام هر جا را که فتح کردند، از جمله بیت المقدس را، عمر خلیفه‌ی دوم، وارد کلیسای بیت المقدس شد و آنجا نه تنها برحسب سنت پیغمبر (ص) یقیناً دو رکعت نماز خواند، بلکه مجدداً تولیت و کلید آنجا را به همان متولی قبلی داد.

امسال نیز گذشته از آن جراحتهای کهنه‌ای که بر قلب ما وارد شد، جراحات جدیدی هم وارد شد و بلکه بر جراحتهای گذشته، نمک پاشیده شد. اما خداوند در این جریانها که برای ما امتحان و در عین حال برای آتیۀ ما ریاضتی تلقی می‌شود بحمد الله تاکنون ما را سرفراز درآورده است و خداوند وقتی به قومی محبت داشت این دعای آنها که: رَبَّنَا لَا تُرِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا را در مورد آنها اجابت می‌فرماید و همینطور در مورد فقرا که فقرا هرچه بر آنها فشار وارد شد بر دعای تَبَّتْ أقدامنا افزودند و خداوند نیز آنها را مؤید داشت.

جالب توجه است، همانطوری که تمام وقایع عاشورا و کربلا، مقدمات و مؤخرات آن در ماه محرم بود، این عاشوراهایی که بر ما وارد شد نیز در ماه محرم بود ولی ما بنابر اینکه پیامبر اکرم (ص) فرموده است: تَخَلَّفُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ به پیروی از پیغمبر (ص) و پیروی از این دستور هرگاه گنهکاری به گناه خود اقرار و از آن توبه و پشیمانی داشته باشند، ما از حق شخصی خود می‌گذریم ولی مادامی که توبه‌ای دیده نشد بقای آنها برستم و ظلم استصحاب می‌شود.

معذک امروز، چون سال نو آمده است، خداوند طبیعت مرده را حیات مجدد داده است و ما با تبریک به یکدیگر با هم رو برو می‌شویم، سعی کنیم این ناراحتی‌ها را از لحاظ شخصی فراموش کنیم و برای روز مبدا نگهداریم. مطالبی که فعلاً به عرض می‌رسد گرچه غالباً ممکن است تکراری باشد ولی ضرورت دارد که باز هم یادآوری کنیم که: وَ ذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ يُتَفَعُّ الْمُؤْمِنِينَ.

1 - برادران فقری همانطور که در تعهد معنوی و بیعت الهی مندرج است باید به احکام شریعت تسلیم بوده و اطاعت کنند و برای درک احکام شریعت، بهتر آن است که به علمای شریعت مراجعه کرده و یا رساله‌ها را مطالعه کنند که به صورت عمل به احتیاط عمل کنند، البته رساله‌ها یا علما

هم همه، قابل تقلید نیستند، بخصوص که بعد از عظمت اسلام و عظمت تشیع و ظهور قدرت معنوی تشیع در اذهان ایرانی‌ها، دشمنان سعی کردند به هر طریقی که شده است فرمان و رُل این قدرت را به دست بگیرند به این جهت بسیاری از اشخاص یا عالماً و یا جاهلاً، به تحصیل علوم فقهی اشتغال ورزیدند و حتی بعضی‌ها به عالی‌ترین مراحل آن هم شاید رسیدند به این امید که شیعیان از لحاظ علاقه‌ای که به احکام شریعت دارند از آنها پیروی کنند. به این جهت بود که در طی تاریخ هم فراوان داریم. ملاکی که برای ما حضرت معین فرموده‌اند این است که: مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ.

2 – همانگونه که همه مراجع در اوّل رساله خود نوشته‌اند این رساله‌ها، راجع به اعمال است و راجع به اعتقادات، خود مکلف باید تحقیق کند، بنابراین صلاحیت قلمرو تقلید و اینکه چه مسائلی را باید تقلید کرد در درجه اول است. مسائلی که شخص، مکلف است و می‌تواند تحقیق کند، خود باید تحقیق کند. مثلاً بررسی صلاحیت بعضی افراد، گذشته از تحقیق، اگر عالمی اظهار نظر کرد آن به عنوان فتوی نیست، به عنوان مشورت است و باید توجه داشته باشیم که اعتقادات، قابل تقلید نیست.

3 – خداوند فرمود و وعده داد که: وَ لَا تَهْتُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ که بشارت خود را به این کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ مقید فرمود، بنابراین به هیچ وجه نگران و ناراحت از زحمات دنیوی از قبیل بازداشت، حبس و امثال اینها نباشید چه بسا شما بتوانید در این حبس به درجات عالی‌تری از معنویت برسید، امیدوارم خداوند وسایل رفاه را برای شما فراهم کند ولی همیشه یاد خدا و اتحاد با یکدیگر را فراموش نکنید، اتحاد مومنین با یکدیگر باید طوری باشد که مصداق گَائِهِمْ بُنِيَانٌ مَرصُوعٌ قرار بگیرند و الحمدلله از این حیث، توفیق الهی نصیب ما فقرا بوده است که قدم به قدم به جلو رفته‌ایم و این مسئله خاصّ مراجعه خودجوش روز درویش آنقدر مهمّ بود که حتی از طرف دشمنان، روز سوم اسفند به نام روز درویش نامیده شد و این برای دشمنان ایمان، متصور نیست که مومنین آنقدر دل‌هایشان به هم نزدیک باشد که خودجوش عمل به این اهمیت را انجام بدهند. همه دنبال این هستند که چه کسی باعث این شده است؟! کسی که باعث این شده است روح ایمان است یعنی پیغمبر (ص) و علی (ع) که در دل‌های مومنین جای دارند و از این جهت من، بدون اینکه دخالتی داشته باشم بسیار خوشحال شدم و امیدوارم که فقرا همیشه وحدتشان را حفظ کنند و هیچگونه نقاری از یکدیگر نداشته باشند زیرا در آنصورت آن صفت این کُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، تضعیف شده و یا از بین می‌رود.

4 – امروز وسایل اطلاع رسانی فراوان است، بطوری که اکنون ما تقریباً از مطبوعات داخلی جز اندک بهره‌ای نمی‌توانیم ببریم زیرا بایکوت کرده‌اند ولی معذک اخبار ما را مرتب در دنیا پخش می‌کنند. این کار دشمنان است و بخصوص اخیراً شنیده شد که دشمنان، کمیسیون‌هایی تشکیل دادند و از انواع مختلف کار فرهنگی استفاده می‌کنند، مثلاً در حدود بیست و چند کتاب علیه درویشی در همین مدت نوشته و به نام‌های مختلف منتشر شده است، همه از این کمیسیون است که تقریباً اعضای این کمیسیون را ما می‌شناسیم و برای ما آشنا هستند. تمام این کتابها از تقریباً یک نفر یا دو نفر است ولی هرکدام به اسامی جعلی منتشر می‌گردد. همچنین در این سایتها همانطوری که قبلاً نوشته شده بود، در جایی دیدم که علیه ما هیجده سایت به اسامی مختلف تشکیل شده و اینها دقت می‌کنند چون اختلاف انداختن و تفرقه انداختن، سلاح مهمّ آنهاست، جزئی کدورتی که بین دو نفر از فقرا و بخصوص از بزرگان فقرا و مشایخ پیدا شود، این سایتها و گردانندگان آنها بصورت ظاهر بعضی‌ها طرفدار این طرفند و بعضیها طرفدار آن طرف و هر دو از هم بد می‌گویند که البته اخیراً معلوم شد و بسیاری از این سایتها تعدیل شد، مثلاً یک سایتی به عده‌ای توصیه می‌کند که با آنها دیگر صفا نکنید، مصافحه نکنید تا معلوم شود ما آنها را قبول نداریم. درویشی که مال شما نیست که شما قبول داشته باشید یا نداشته باشید! من نقل قول از حضرت آقای صالحعلیشاه (قدس سرّه) شنیدم که فرمودند: دستی را که گرفتیم رها نمی‌کنیم اگرچه در آخرین مرحله زندگانی او باشد.

5 – مسئله دیگر نقش عقل است. در فقه اسلامی، عقل یکی از ارکان اربعه احکام تلقی می‌شود ولی مشهور است که از بزرگی پرسیدند که آیا عقل، حجت است یا نه؟ فرمود: عقل من یا عقل تو؟ عقل من حجت است، عقل تو نه. عقلی که از شوائب دنیوی و حبّ و بغض‌های شخصی خالص و بدور باشد و هدف، اطاعت امر الهی باشد، چنین عقلی خودبخود راه را پیدا می‌کند و مصداق آن عقلی است که در سوره وَالشَّمْسُ ذکر شده است که می‌فرماید: وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا چنین عقلی، گذشته از اینکه از مسیر استدلال به جایی می‌رسد، الهام الهی نیز به او کمک می‌کند و این الهام صرفاً مختص به مؤمنین نیست، مواردی که خداوند مصلحت بداند الهام می‌فرماید، همه ما دیده‌ایم یا پای درخت خوابیده‌ایم و دیده‌ایم که سیبی یا میوه‌ای از درخت می‌افتد ولی خداوند این الهام را به نیوتن داد که از این امر ساده، قانونی را که خداوند مقرر کرده است، کشف کند و به ما اطلاع دهد. جایی که به او چنین الهامی می‌شود، مسلماً خداوند به مؤمنین هم الهام می‌کند اما البته الهام هرگز مخالف با عقل نیست. به هر جهت احکام شریعت همیشه باید رعایت شود و مسئله‌ای نیست که در اصل تغییر یابد، ممکن است مصادیق احکام شریعتی در زمانهای مختلف، متفاوت باشد ولی اصل اطاعت از احکام شرعی همیشه برجاست و ثابت است.

6 – در حرمت مواد مخدر بین عرفای اخیر اختلاف نظری نیست و همه بدان معتقدند، به این دلیل که خطر عظیمی در راه سلوک است و آلا در هیچ مورد دیگری بزرگان عرفان در مسائل شرعی دخالت نکرده‌اند.

7 – فرمایش علی (ع) را به خاطر بیاوریم که فرمود: اسلام از دو جنبه لطمه می‌بیند: متحجّرین و بی‌دینان. نمونه متحجّرین خوارج صدر اسلامند که هم اکنون نسل آنها و تفکر و بینش آنها باقیست.

8 – به اتفاق نظریه همه بزرگان عرفان و شریعت، امروز دنیای اسلام نیازمند وحدت است، نیازمند دوستی است. به همین جهت همه ما توبیخ می‌کنیم همه کسانی را که در این راه سنگ‌اندازی می‌کنند و به هر بهانه‌ای که شده است دشمنی‌های خود را به ظاهر، لباس شریعت می‌پوشانند و به عمل ضدّ شریعت می‌پردازند.

9 – برادران فقرا در روابط تجاری خود رعایت کمال احتیاط را بنمایند که موجب اختلاف پیدا نشود.

10 – مجالس شبهای جمعه و دوشنبه و صبح جمعه برقرار است البته فقرا به هر عنوان که تجمع کنند و با هم بنشینند و به یاد خدا باشند، مُثاب است ولی مجالس دیگر جزء مجالس فقری حساب نمی‌شود و مثلاً کسی، در منزل شخصی خودش برای دیدار و دید و بازدید می‌نشیند و جلسه برقرار می‌کند، البته با یاد خدا بودن مجلس را متبرک می‌سازد ولی مجلس فقری تلقی نمی‌شود.

11 – عرفان و تصوّف به اصطلاح عوامانه صلح کلّ است، باید توجه کرد همانطور که یک مجسمه‌ساز یا یک هنرمند، اثری بیافریند اگرچه بعداً خود او، این اثر را در درجه اول اهمیت قرار ندهد ولی همیشه به آثار خود علاقمند است. بیاد بیاوریم که روایت شده است که خداوند متعال حضرت موسی (ع) را خطاب فرمود و از او پرسید یا به او اطلاع داد که تو چندین هزار نفر از بنی‌اسرائیل را کشته‌ای! و حضرت عرض کرد: بار الها! به امر تو بود. خداوند فرمود: بلی به امر من بود و بنابراین بر تو گناهی مترتب نیست ولی دلت نسوخت که این همه جمعیت را کشتی؟! بدانید همه مخلوقاتی را که خداوند آفریده است مورد علاقه اوست، ما تا از راهیابی یک فرد ناامید نشویم، حق نداریم به او نظر بد داشته باشیم، چه رسد به اینکه او را مضروب و مصدوم کنیم و محل عبادت یا محل زندگی او را خراب کنیم، در اینصورت گناه آن چنان سنگین است که وای بر کسی که از این کار توبه نکند.

12 - آقایان مشایخ محترم همه باید مورد احترام فقرا باشند و بین آقایان مشایخ هیچ مزیتی نیست، تقدّم زمانی اجازه به هیچ وجه حکایت از تقدّم معنوی ندارد. ولی البته خود آقایان مشایخ، این نکته را رعایت می‌کنند و خواهند نمود و توجه داشته باشید که دستور العمل کلی و دخالت در تمام مسائل و امور فقرا در همه شهرها و در کلّ مملکت فقط در صلاحیت قطب وقت است، حوزه مأموریت مشایخ محدود است و حتی اگر اجازه‌ی خاصی نداشته باشند، سخنرانیهای خود را هم باید کوتاه‌تر نموده و فقط منحصر به مسائل محلی نمایند.

13 - درویشی در سیاست به معنی عوامانه آن و به آن نحوی که جاریست دخالت نمی‌کند، زیرا بعضی و بلکه بسیاری از منہیات شرعی و اخلاقی در عوالم سیاست برگزار می‌شود مانند ریاکاری، خُلفِ وعده و امثال اینها ولی فقرا به اتکاء عقل شخصی خود در سیاستها دخالت می‌کنند و با توجه به دستورات اخلاقی و شرعی تصمیم می‌گیرند و از جمله این مسائل که هر چند وقتی برای ما مردم پیش می‌آید مسئله انتخابات است. بنابراین توقع اینکه از طرف قطب یا مشایخ دستوری به فقرا داده شود، روا نیست، مشایخ نیز چنین دستوراتی نمی‌دهند، فرضاً صحبتی کردند و چنین چیزی شنیده شد، نظر شخصی آنهاست، آن هم به عنوان یک درویش و برای دیگران لازم الاتباع نیست. بنابراین فقرا در مسائل سیاسی مثل یک شهروند باشند، حقوق خود را رعایت کنند و وظایف خود را هم انجام بدهند.

حاج دکتر نور علی تابنده (مجدوبعلیشاه)  
اول فروردین 1388 مطابق با 23 ربیع الاول 1430